

اقتصاد عاملی برای «دگرگونی منازعه» ترکیه و ارمنستان

محمد ملک محمدی*

استادیار گروه زبان و ادبیات ارمنی - آلمانی دانشگاه اصفهان

افسانه شیرانی

دانشجوی دکتری تحولات و نهادهای سیاسی انستیتوی حقوق، علوم اجتماعی

و سیاسی آکادمی ملی علوم جمهوری ارمنستان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۲۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۲/۱۶)

چکیده

منازعه ترکیه و ارمنستان فراتر از موضوعهای مورد اختلاف دو کشور، منازعه‌ای است که گستره آن به سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی گسترش یافته و در پیچیده‌ترکردن فرایند حل منازعه دو کشور تأثیر شایان توجهی داشته است. با توجه به مسائل و موضوعهای مورد اختلاف دو کشور به نظر می‌رسد که منازعه ترکیه و ارمنستان هیچ‌گونه راه‌حل سیاسی ندارد و در چارچوب هیچ‌یک از راه‌کارها و رویکردهای حل منازعات بین‌المللی و مدیریت بحران‌ها قرار نمی‌گیرد. در چنین شرایطی تجربه حل منازعات بین‌المللی نشان می‌دهد که تغییر در رویکرد حل سیاسی منازعه و دگرگونی در هر یک از سطوح منازعه به نتایج شایان توجهی برای دو کشور منجر خواهد شد. انگیزه اقتصادی تنها راهبردی است که دو طرف منازعه را به سوی تعدیل در نگرش سیاسی محض به حل منازعه پیش می‌برد. اقتصاد عاملی برای «دگرگونی منازعه» ترکیه و ارمنستان، افزون بر منافع اقتصادی برای دو کشور به حل سیاسی منازعه نیز کمک خواهد کرد. نتیجه مطالعات اقتصادی که براساس نظریه‌های مزیت نسبی و دیگر نظریه‌های اقتصادی انجام شده است، بیانگر رشد اقتصادی دو طرف در شاخه‌های مختلف اقتصادی است.

کلیدواژه‌ها

آمریکا، ارمنستان، اقتصاد، ترکیه، دگرگونی منازعه، دیپلماسی، روسیه.

* E-mail: m.malekmohammadi@fgn.ui.ac.ir

مقدمه

منطقه قفقاز در طول تاریخ، کانون منازعات ژئوپلیتیک و صحنه رقابت و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. قفقاز همواره یکی از مسیرهای پیوند شرق و غرب بوده و در تکمیل جاده ابریشم نقش محوری داشته است. پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و تغییر شرایط اقتصادی، این منطقه یکی از مهم‌ترین مسیرهای حمل‌ونقل شرق و غرب و راهروی شمال و جنوب بوده است. گسترش فعالیت‌های اقتصادی در این منطقه، مشروط بر تأمین امنیت و برقراری صلح و ثبات در منطقه است. به همین دلیل عامل امنیت در منطقه قفقاز برای برون‌رفت از وضعیت موجود یکی از عوامل راهبردی است.

باتوجه به ساختار قومی متنوع منطقه قفقاز، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با دامن‌زدن به مسائل قومی و هویتی، از آن به‌عنوان ابزاری برای حفظ هژمونی خود در منطقه استفاده کرده‌اند. نقش مؤثر این قدرت‌ها در معادلات امنیتی منطقه و تضاد منافع آن‌ها سبب شده است تا حل منازعه ترکیه و ارمنستان در آینده نزدیک بسیار دور از تصور باشد. در آستانه یکصدمین سالگرد کشتار ارمنه (۲۴ آوریل ۲۰۱۵)، ارامنه جهان برآنند تا در راستای به‌رسمیت شناختن آن از سوی جوامع جهانی فعالیت‌ها و اقدام‌های هدفمندی انجام دهند. از سوی دیگر، ترکیه نیز در واکنش به این اقدام‌ها، فعالیت‌ها و برنامه‌های مشابهی را آغاز کرده است. بدین ترتیب فرضیه حل سیاسی نشدن منازعه دو کشور بیشتر قوت می‌گیرد.

روش‌شناسی

در این نوشتار تلاش شده است تا با جمع‌آوری داده و تجزیه و تحلیل ارتباطات و انگیزه‌های اقتصادی دو کشور، براساس نظریه «دگرگونی منازعه» با تأکید بر این فرضیه که تنها راه بازگشایی مرزها و عادی‌سازی روابط دو کشور در کوتاه‌مدت لزوم تغییر و دگرگونی در منازعه است، پژوهشی کاربردی را ارائه کنیم. این نوشتار با استفاده از روش کتابخانه‌ای و رویکرد تحلیلی-توصیفی به بررسی ماهیت منازعه ترکیه و ارمنستان و علت مطابقت نبودن راه‌کارهای حل منازعات با این منازعه پرداخته می‌شود. براساس ماهیت و ریشه‌های این منازعه، راه‌کارهای حل منازعات قومی - سیاسی بررسی می‌شود و رویکرد «دگرگونی در منازعه» به‌عنوان یک راه‌حل جایگزین پیشنهاد می‌شود. در این نوشتار تلاش شده است تا بر مبنای پرسش اصلی، عامل اقتصاد را به‌عنوان راه‌حل جایگزین و راهبردی برای برون‌رفت از بحران در قالب «دگرگونی منازعه» بررسی کنیم. پرسش اصلی این نوشتار این است که آیا منافع

اقتصادی می‌تواند در کوتاه‌مدت سبب برون‌رفت از منازعه‌ای که دارای یک صد سال پیشینه تاریخی است، شود؟

چارچوب نظری

واژه منازعه^۱ معمولاً به وضعیتی اشاره دارد که در آن، گروه انسانی معینی (قبیله‌ای، قومی-زبانی، فرهنگی - مذهبی، اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و یا غیر آن) با گروه یا گروه‌های انسانی معین دیگری به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری هدف‌هایشان، تعارضی آگاهانه داشته باشند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۲۹۶). اهمیت موضوع منازعات همواره مورد توجه جامعه‌شناسان و روانشناسان بوده است و تاکنون در سطوح مختلف خرد و کلان به آن پرداخته شده است. گسترش ارتباطات و پیشرفت جوامع انسانی و به موازات آن، گسترش رقابت‌ها و منافع، منازعات و جنگ‌های میان اقوام، نژادها، دولت‌ها، جوامع و تمدن‌ها را در تمام دوران تاریخ به همراه داشته است. روان‌شناسان، زیست‌شناسان و نظریه‌پردازان بازی‌ها ریشه منازعات را در طبیعت و رفتار انسان می‌دانند؛ درحالی که جامعه‌شناسان، جغرافی‌دانان، نظریه‌پردازان سازمان و ارتباطات، دانشمندان علم سیاست، تحلیل‌گران روابط بین‌الملل و نظریه‌پردازان سیستم‌ها، منازعه را در سطح گروه‌ها، اجتماعات، نهادهای اجتماعی و دولت‌های ملی، ائتلاف‌ها و نظام‌های فرهنگی بررسی می‌کنند (قربانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۷۶).

پس از پایان جنگ جهانی دوم و به دنبال آن جنگ سرد، لزوم اقدام برای جلوگیری از برخوردها و منازعات در عرصه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل اهمیت بیشتری پیدا کرد. در جهان معاصر، بشریت در پی نگرانی شدید از منازعات، تلاش می‌کند تا رویکرد علمی کلانی را در راستای تحلیل، حل و تنظیم و مدیریت منازعات بررسی کند. در ساده‌ترین طبقه‌بندی که از منازعات ارائه شده است، منازعات را براساس دو محور اصلی هدف‌ها - رفتار و وضعیت‌های متعارض تقسیم کرده‌اند.

جدول ۱. انواع منازعه

هدف‌ها		تعامل‌گرا	رفتار
منازعه پنهان	وجودنداشتن منازعه		
منازعه سطحی	منازعه آشکار		

جدول ۲. رویکرد منازعه



افزایش خشونت			
منازعه آشکار	منازعه سطحی	منازعه پنهان	
			جلوگیری از منازعه
			تنظیم منازعه
			مدیریت منازعه
			حل کردن منازعه
			تغییر (دگرگون) کردن منازعه

در نظریه منازعات، رویکردها و راهکارهای مختلفی برای حل منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی به کار گرفته می‌شود. گرایش برخی از کشورها به مدیریت منازعات^۱ است؛ درحالی‌که برخی دیگر از کشورها به برخورد با منازعات و از میان برداشتن آن تمایل دارند. در مکتب اروپایی، بیشتر به رویکرد دگرگونی منازعات^۲ تأکید می‌شود؛ درحالی‌که نمایندگان مکتب آمریکایی از رویکرد حل منازعات^۳ پیروی می‌کنند (Melkonyan, 2010: 4). رویکرد مکتب آمریکایی در مدیریت منازعات بر تکنولوژی‌های نو، سیستم اطلاع‌رسانی قدرتمند و امکانات نظامی استوار است. در واقع مدیریت منازعه در مکتب آمریکایی بر عامل قدرت متمرکز است. پیمان آتلانتیک شمالی یکی از عوامل مهم آمریکا در مدیریت منازعات است. برتون در تعریف مفاهیم حل منازعه، مدیریت منازعه و حل منازعه^۴ تفاوت قائل شده است و مدیریت منازعات را انتخاب راه‌حل مناسب می‌داند که می‌تواند منازعه را محدود و منحصر کند. از سوی دیگر، حل یا تنظیم منازعات را فرایندهای قانونی و معتبری می‌داند که به وسیله نخبگان به کار گرفته و تبیین می‌شود؛ اما حل منازعات به معنای رسیدن به ریشه اختلاف‌ها و پایان درگیری و تعارض با روش تحلیلی تعریف می‌شود (Burton, 1991: 77- 81).

1. Conflict management
2. Conflict transformation
3. Conflict resolution
4. Conflict settlement

«دگرگونی منازعه»^۱ فرایندی است که به وسیله آن منازعاتی مانند منازعات قومی به نتایج صلح آمیزی دست می یابند. این رویکرد از رویکرد «حل منازعه» و «مدیریت منازعه» متمایز می شود. در واقع منازعات معاصر بیش از پیش نیازمند دگرگونی و تغییر و تحول در موقعیتها و شناسایی نتایج برد-برد هستند. رویکرد «حل منازعات» به دنبال انتقال دوطرف منازعه از موقعیت حاصل جمع صفر به سوی نتایج مثبت است. رویکرد «دگرگونی منازعه» در واقع رویکرد تغییر و دگرگونی در روابط، منافع و تحلیلها و راه حل مؤثری برای غلبه بر منازعه است (Miall, 2004: 17). با توجه به ماهیت منازعات بین المللی و موضوعهای مورد اختلاف ترکیه و ارمنستان، به نظر می رسد که حل این منازعه نیازمند دوره زمانی بلندمدت باشد. مسائل مورد اختلاف دو کشور و گسترش اختلافها نشان داد که منازعه ترکیه و ارمنستان هیچ گونه راه حل مستقیم سیاسی ندارد و در قالب هیچ یک از راه کارها و رویکردهای حل بحرانها و منازعات بین المللی قرار نمی گیرد. در چنین شرایطی تجربه حل منازعات بین المللی نشان می دهد که تغییر در رویکرد حل مستقیم منازعه به وسیله دگرگونی در ساختار منازعه به نتیجه شایان توجهی برای دو کشور منجر خواهد شد.

لزوم تغییر و دگرگونی در ساختار منازعه ترکیه و ارمنستان

سیاست گذاریهای کشورهای بزرگ در جهان معاصر به سوی جهانی شدن حرکت می کند؛ اما سازوکارهای این کشورها در مورد حل منازعات منطقه قفقاز تاکنون مؤثر نبوده است. صحنه قفقاز جنوبی محیطی است که چند کشور با هدفهای گوناگون با یکدیگر در رقابت هستند و عمل رقیب بستگی به عمل طرف مقابل دارد. در شرایط منازعه^۲ حاکم بر منطقه قفقاز جنوبی، کشورهای منطقه برای دستیابی به هدفهای خود در رقابت تنگاتنگی با یکدیگر هستند و هرگونه واکنش رقیب بستگی به عمل طرف مقابل دارد. در چنین شرایطی هر یک از دوطرف ارزیابیها و راه کارهای ویژه خود را باهدف جلوگیری از موفقیت طرف مقابل به کار می گیرد. با توجه به ماهیت منازعه و موضوعهای مورد اختلاف ترکیه و ارمنستان، حل این منازعه نیازمند یک دوره زمانی بلندمدت است. همان گونه که اشاره شد مسائل مورد اختلاف دو کشور و گسترش اختلافها، نشان داد که منازعه ترکیه و ارمنستان هیچ گونه راه حل مستقیم سیاسی ندارد و در قالب هیچ یک از راه کارها و رویکردهای حل بحرانها و منازعات بین المللی قرار نمی گیرد. در چنین شرایطی تجربه حل منازعات بین المللی نشان می دهد که تغییر در رویکرد

-
1. Conflict transformation
 2. Conflict situation

حل مستقیم منازعه با دگرگونی در ساختار منازعه شرایط مساعدی را برای حل و غلبه بر منازعه فراهم خواهد کرد.

فرایند دگرگونی منازعه در چهار سطح بروز می‌کند: دگرگونی در سطح نمایندگان دولتی و نهادهای میان دولتی، سازمان‌های بشردوستانه، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی^۱ که با منازعه مرتبط هستند و دوطرف درگیر در منازعه و همچنین دیگر گروه‌هایی که از منازعه ضرر کرده‌اند. در ضمن دگرگونی در متن منازعه، دگرگونی ساختاری، دگرگونی در بازیگران، دگرگونی مسئله منازعه و دگرگونی در عامل انسانی منازعه، انواع دگرگونی منازعه هستند. دگرگونی در متن منازعه به تغییرات انجام شده در متن منازعه مربوط می‌شود که می‌توانند کاملاً تغییر پیدا کنند. دگرگونی در متن منازعه معمولاً در سطوح منطقه‌ای یا جهانی بروز می‌کند. دگرگونی ساختاری معمولاً در سطح دولتی یا اجتماعی روی می‌دهد؛ اما دگرگونی در بازیگران و دگرگونی مسئله منازعه در سطح دوطرف منازعه بروز می‌کند. دگرگونی و تغییر در عامل انسانی به اختیارات در سطوح انسانی نیازمند است (Miall, 2004: 10). در واقع پنج مورد انواع دگرگونی منازعه با دلایل پیدایش منازعه و سطوح بازدارنده منازعات در ارتباط مستقیم هستند. شایان توجه اینکه عامل مشترک علت پیدایش و کانون همه منازعات داخلی و بین‌المللی، عامل انسانی است. «دگرگونی منازعه» در تمامی سطوح خود برای حل منازعه ایرلند شمالی که یکی از غیرقابل کنترل‌ترین منازعات سده ۲۰ بوده، استفاده شده است.

اقتصاد عاملی برای دگرگونی در متن و مسئله منازعه ترکیه و ارمنستان

الف) گاه‌شمار روابط اقتصادی ترکیه و ارمنستان بعد از فروپاشی اتحاد شوروی

در جهان امروز، اقتصاد بخش بسیار مهمی از عملکرد هر دولتی است و در تصمیم‌های سیاسی دولت‌ها و روابط سیاسی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (کیولایی و شیرازی موهوبی، ۱۳۹۵: ۱۳۷). پس از فوریه ۱۹۹۲ و رویداد خوجالی در قره‌باغ کوهستانی و تسخیر شهر شوشی به‌دست ارمنه، تنش شایان توجهی در روابط ترکیه و ارمنستان مشاهده شد و به‌دنبال آن ترکیه از اجرای برنامه اقتصادی اختصاص بندر طرابزون به ارمنستان به‌عنوان منطقه آزاد منصرف می‌شود؛ اما بعدها تحت تأثیر فضای مثبتی که در روابط دو کشور به‌وجود می‌آید، در ۲۳-۲۶ ژوئن ۱۹۹۲ و سفر رسمی یک گروه ارمنی به ترکیه، این طرح اجرا می‌شود. پس از این سفر، تلاش برای برقراری روابط اقتصادی ادامه می‌یابد؛

به‌گونه‌ای که سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۱ را می‌توان به‌عنوان دوره برنامه‌های همکاری تجاری و اقتصادی بین دو کشور توصیف کرد. همکاری‌هایی که می‌توان گفت به‌گونه‌ای در راستای گذار از سیستم سوسیالیستی و دولتی به سیستم سرمایه‌داری و آزاد بود (قیصری و گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

در سال ۱۹۹۵ ترکیه با عبور خط لوله انتقال نفت دریای خزر از راه خاک ارمنستان موافقت می‌کند (اظهارات مراد کارا یالچن وزیر امور خارجه وقت ترکیه) و در فوریه ۱۹۹۵ مشاور وزیر امور خارجه آمریکا، ریچارد هالبروک^۱ از مسئولین ترکیه درخواست می‌کند تا در راستای بهبود مناسبات خود با ارمنستان تجدید نظر کنند (Chakaryan, 1998: 38). در مارس ۱۹۹۵، سلیمان دمیرل و لئون درپتروسیان، رؤسای جمهور دو کشور در حاشیه نشست «مسائل و تحولات اجتماعی» سازمان ملل متحد در کپنهاگ با یکدیگر دیدار می‌کنند. در این نشست رئیس جمهور ترکیه در مورد پیامدهای مناقشه قره‌باغ کوهستانی و زیان‌هایی که ترکیه از تأخیر در تحقق برنامه انتقال لوله نفت متحمل شده و مسئله ارتباط‌نداشتن ترکیه با آسیای مرکزی را یادآور می‌شود.

در مه ۱۹۹۷ با هدف گسترش همکاری‌های تجاری-اقتصادی و کمک به بازگشایی مرز دو کشور، موضوع تشکیل کمیسیون‌های توسعه تجاری دو کشور در حاشیه نشست شورای اقتصادی سازمان همکاری‌های اقتصادی دریای سیاه در استانبول بررسی شد؛ اما رئیس جمهور ترکیه در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۷ گسترش همکاری‌های اقتصادی با ارمنستان را بر حل مناقشه قره‌باغ کوهستانی و خروج نیروهای ارمنی از قره‌باغ مشروط می‌کند و موضوع بازگشایی مرز ترکیه و ارمنستان را یک موضوع سیاسی می‌داند و آن را از «منافع محدود اقتصادی» که از راه گسترش روابط اقتصادی با ارمنستان به دست می‌آید، متمایز می‌کند (Barseghyan, 1997: 2). موضوع برقراری روابط اقتصادی ترکیه و ارمنستان در سال ۲۰۰۰ در شورای امنیت ملی ترکیه بررسی می‌شود و گسترش روابط با ارمنستان بر دو پیش‌شرط یادشده یعنی خروج نیروهای ارمنی از قره‌باغ کوهستانی و صرف‌نظرکردن ارمنستان از روند به رسمیت‌شناختن نژادکشی آرامنه مشروط می‌شود. شایان توجه اینکه با پیوستن ارمنستان به «اتحادیه گمرکی» در سال جاری و امضای موافقت‌نامه پیوستن ارمنستان به اتحادیه اقتصادی اوراسیا در ۱۸ مهر جاری چشم‌انداز گسترش روابط اقتصادی ترکیه و ارمنستان را بیش از پیش کم‌رنگ‌تر خواهد کرد. این اتحادیه با هدف ایجاد بازار مشترک اقتصادی و گمرکی، کار خود را از سال ۲۰۱۵ آغاز کرده است. در واقع این اتحادیه، همگرایی نوپایی در مقابل غرب است.

ب) منافع مشترک اقتصادی، تنها راهبرد حل منازعه و برقراری روابط سیاسی

پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در شرایط نبود روابط سیاسی میان ترکیه و ارمنستان اقدام‌هایی در سطوح دیپلماسی پایه اول و دوم به صورت رسمی و غیررسمی برای برقراری همکاری‌های اقتصادی-اجتماعی بین دو کشور انجام می‌گیرد و از ابتدای دهه ۱۹۹۰ دوطرف تلاش می‌کنند تا از عامل اقتصادی - تجاری به عنوان رویکردی برای «دگرگونی منازعه» بین دو کشور استفاده کنند. در این زمینه از سوی محافل دولتی و غیردولتی دو کشور تلاش‌های شایان توجهی انجام می‌گیرد تا از فرصت‌هایی که از گسترش روابط اقتصادی به دست آمده است برای حل روابط سیاسی دو کشور نیز استفاده کنند.

ترکیه در برقراری روابط تجاری و اقتصادی با ارمنستان، با دنبال کردن هدف‌های سیاسی تلاش می‌کند تا توجه جامعه بین‌المللی را بیشتر در دو جهت کلی جلب کند: ۱. خنثی کردن اقدام‌های مربوط به رسمیت‌شناختن نژادکشی ارمنه در عرصه بین‌المللی؛ ۲. عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا. البته ترکیه در دوران اتحاد شوروی نیز اقدام‌هایی را برای برقراری روابط اقتصادی با ارمنستان شروع کرده بود. جمهوری ارمنستان نیز با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی این کشور، سیاست برقراری روابط اقتصادی با ترکیه را دنبال می‌کند (Safrastyan, 2003: 39). این درحالی است که توانایی نظامی ارمنستان پس از استقلال بسیار محدود شده بود و ارمنستان برای تأمین امنیت ملی خود و مقابله با تهدیدهای احتمالی، برقراری ارتباطات دوستانه با همسایگان خود را در اولویت قرار داده بود. در چارچوب گسترش روابط ارمنستان و ترکیه، گسترش روابط اقتصادی برای ارمنستان در اولویت قرار دارد؛ درحالی‌که برای ترکیه گسترش روابط سیاسی اهمیت بیشتری دارد. با این وجود، آنکارا نیز برای برقراری روابط اقتصادی با ارمنستان و در نظر گرفتن بازار کوچک اقتصادی این کشور تلاش می‌کند. در راستای گسترش روابط اقتصادی، گروهی از شخصیت‌های دیاسپورای ارمنی و تاجر یهودی - ترک اسحاق آلاتون، اولین تلاش‌های خود را برای برقراری روابط اقتصادی دو کشور آغاز کردند.

طرف ترک در دهه ۱۹۹۰ با طرح شرکت سهامی آلاکو هولدینگ^۱ برای اختصاص بندر طرابزون ترکیه به ارمنستان موافقت می‌کند تا یک مسیر جدید بین‌المللی به ایروان اختصاص یابد. هدف از این طرح انتقال مواد خام، گاز طبیعی و نفت جمهوری‌های آسیای مرکزی (ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان و ترکمنستان) از راه ارمنستان به بندر طرابزون و بازارهای غربی بود (Chakaryan, 1998: 15). با اجرای این طرح بازگشایی برخی از نقاط مرزی، بازسازی مناطق زلزله‌زده و نوسازی شرکت‌های صنعتی ارمنستان نیز پیش‌بینی شده بود.

1. Alarko Holding

بدین ترتیب ارمنستان به یک منطقه آزاد تجاری تبدیل می‌شد. در این زمان به ابتکار ترکیه، موضوع عضویت ارمنستان در ساختار سازمان «همکاری‌های اقتصادی دریای سیاه» نیز مطرح می‌شود. شایان توجه اینکه بیشتر جامعه ترکیه و ارمنستان نیز با گسترش همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور بدون منتظرماندن برای حل مسائل سیاسی - تاریخی توافق دارند. گئورگ بوقوسیان، عضو پیوسته آکادمی ملی علوم جمهوری ارمنستان و فرهاد کاتل، عضو مؤسسه پژوهش‌های اقتصادی و اجتماعی ترکیه اثر مشترکی را در مورد روابط معاصر ترکیه و ارمنستان با عنوان «گفت‌وگو و درک متقابل شهروندان ترکیه و ارمنستان»^۱ در سال ۲۰۰۶ در ایروان منتشر کرده‌اند. براساس نتیجه نظرسنجی‌های این کتاب، بیشتر شهروندان ترکیه و ارمنستان با گسترش روابط تجاری و اقتصادی میان دو کشور موافق هستند (Kentel and Poghosyan, 2006: 59).

در مورد همکاری‌های اقتصادی دو کشور، برخی از اقتصاددانان معتقدند که همکاری‌های اقتصادی ارمنستان با ترکیه مسئله‌ای حیاتی برای ارمنستان است و به هر میزانی که روابط سیاسی ارمنستان با ترکیه بحرانی باشد، دیر یا زود به دلیل اهمیت گسترش روابط اقتصادی برای این کشور، اختلاف‌های سیاسی باید در اولویت دوم قرار گیرد؛ زیرا ترکیه همسایه طبیعی ارمنستان است. اقتصاددانان برای ارزیابی پیامدهای احتمالی بازگشایی مرز ترکیه و ارمنستان، روشی را در پیش گرفته‌اند که در سال ۱۹۹۶ به وسیله اقتصاددانان یهودی آرنون، آسپیواک و زوینبلات (Arnon and Others, 1996: 121)، برای بررسی پیامدهای بازگشایی مرز اسرائیل و کشورهای عربی استفاده کرده‌اند که در ادامه به برخی از این موارد اشاره خواهد شد. از سوی دیگر نداشتن روابط دیپلماتیک و اقتصادی ارمنستان با جمهوری آذربایجان و ترکیه سبب شد تا ارمنستان در طرح‌های اقتصادی در قفقاز مشارکت داده نشود، از جمله طرح‌های انتقال منابع انرژی مانند خط لوله باکو-تفلیس - جیحان و نیز خط لوله باکو-تفلیس - ارزروم و طرح خط راه آهن باکو - تفلیس - قارص و نیز آزادراه آنکارا - تفلیس - باکو که انزوای سیاسی - اقتصادی ارمنستان از منطقه و جامعه جهانی را تاکنون به همراه داشته است (ولیکلی‌زاده و ذوقی-بارانی، ۱۳۹۱: ۱۰۶). هم‌اکنون ارتباط اقتصادی و تجاری ارمنستان با اقتصاد جهانی به وسیله جمهوری اسلامی ایران، گرجستان و روسیه تحقق می‌یابد. ارتباط هوایی میان دو کشور از مسیر ایروان - استانبول - آنتالیا برقرار است.

1. Armenian-Turkish Citizen's Mutual Perceptions and Dialogue

ج) رویکرد تحلیل گران ترکیه در مورد دگرگونی منازعه و گسترش روابط اقتصادی ترکیه و ارمنستان

براساس ماهیت منازعه ترکیه و ارمنستان متخصصان ترک با جمع‌بندی مدل‌های ارائه شده برای حل منازعه دو کشور و با به‌پیش کشیدن راهبرد «دگرگونی منازعه»، رویکردهای زیر را برای تغییر و دگرگونی در منازعه میان دو کشور ارائه می‌کنند. به باور آن‌ها منازعه ترکیه و ارمنستان چهار جنبه دارد:

۱. عوامل روانی و روانشناختی منازعه؛
 ۲. موانع ساختاری (مرزهای بسته، نبود ارتباط و تعامل، عدم آگاهی از طرف مقابل، نبود وجود روابط سیاسی و اقتصادی)؛
 ۳. لزوم برقراری عدالت (اصلاح بی‌عدالتی‌های تاریخی و معاصر)؛
 ۴. سیاست واقعی (پویایی قدرت‌های منطقه‌ای مانند روابط روسیه با دیگر بازیگران منطقه‌ای، عدم توازن قدرت بین دو کشور و منازعه قره‌باغ کوهستانی) (Çuhadar and Gültekin Punsman, 2012: 23).
- دو مورد اول از سوی هر دو طرف منازعه تأکید می‌شوند؛ اما مورد سوم تنها از سوی طرف ارمنی دنبال می‌شود. مورد آخر به‌عنوان عاملی اساسی در فرایند عادی‌سازی روابط میان دو کشور تنها از سوی برخی از شخصیت‌های ارمنی مورد تأکید قرار می‌گیرد. آرامنه و ترک‌ها از دامنه منازعه میان دو کشور درک مشترکی دارند. براساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده، مؤلفه‌های روانی و عوامل روانشناختی دلایل اصلی منازعه هستند که مانع برقراری روابط میان دو کشور هستند. بدیهی است که این عامل بازدارنده با گسترش روابط اجتماعی و درک متقابل به حل منازعه میان دو کشور کمک زیادی می‌کند. متخصصان طرف ترک نیز به این نتیجه رسیده‌اند که رویکرد دگرگونی منازعه در حال حاضر بهترین گزینه برای منازعه ترکیه و ارمنستان است. براساس ماهیت و جوانب منحصر به فرد این منازعه، رویکردهای مختلفی نیز در چارچوب دیپلماسی پایه دو برای دگرگونی در منازعه ارائه شده است (Kentel and Poghosyan, 2006: 50). تمرکز بر رویکردهای کاربردی و اقدام‌های کوتاه‌مدت، بازگشایی مرزها و برقراری روابط اقتصادی به‌عنوان یک راه‌حل جایگزین به نتایج مناسبی در راستای یک توافق کامل و حل منازعه منجر خواهد شد.

کمیسیون گسترش روابط تجاری ترکیه و ارمنستان و فعالیت‌های کمیسیون صلح ترکیه و

ارمنستان

در شرایط نبود روابط سیاسی میان ترکیه و ارمنستان، اقدام‌هایی برای همکاری‌های تجاری - اقتصادی و اجتماعی میان دو کشور در حوزه‌های مختلف دیپلماسی پایه دو انجام می‌شود. در ۳ مه ۱۹۹۷ کمیته گسترش روابط تجاری ترکیه و ارمنستان^۱ تشکیل می‌شود. این کمیته، فعالیت‌های خود را در زمینه همکاری‌های علمی - فرهنگی نیز گسترش می‌دهد و برای تشکیل گروه مشترک مورخان ترکیه و ارمنستان برای بررسی موضوع نژادکشی ارمنه اقدام‌هایی را انجام می‌دهد.

کمیسیون صلح ترکیه و ارمنستان در سطح غیردولتی در ۹ ژوئیه ۲۰۰۱ تشکیل می‌شود. دیوید فیلیپس،^۲ متخصص مدیریت منازعات بین‌المللی و مشاور وزارت امور خارجه آمریکا، ریاست این کمیسیون را بر عهده دارد و ایالات متحده تلاش می‌کند تا مدل خاص خود را برای حل اختلاف‌های ترکیه و ارمنستان ارائه دهد. کمیسیون صلح ترکیه و ارمنستان در نشست ۶-۷ ژوئن ۲۰۰۳ در استانبول موضوع بازگشایی مرزها را بررسی می‌کند و اقدام‌های مهمی را انجام می‌دهد و در ۱۲ آوریل ۲۰۰۴ در آخرین نشست این کمیسیون در مسکو، پیشنهادها را مربوط به عادی‌سازی روابط دو کشور جمع‌بندی و برای ارائه رسمی به دولت‌های دوطرف آماده می‌شود.

تحلیل‌گران علت شکست فعالیت‌های این کمیسیون را سازگار نبودن مدل استاندارد حل منازعات با ماهیت اختلاف‌های ترکیه و ارمنستان و در نظر نگرفتن پیچیدگی مسائل موجود در روابط دو ملت ارمنی و ترک می‌دانند (Ananyan, 2006: 100). به باور بخش زیادی از جامعه و محافل سیاسی - اقتصادی ارمنستان، برقراری روابط ارمنستان و ترکیه و بازگشایی مرزهای میان دو کشور در گسترش روابط اقتصادی دو کشور تأثیر مثبتی دارد؛ اما برخی از تحلیل‌گران چشم‌انداز روابط تجاری - اقتصادی دو کشور را شایان توجه و تأثیرگذار نمی‌دانند و تأکید می‌کنند: «براساس آمارهای رسمی، مبادلات کالای ترکیه و ارمنستان در سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ به تدریج کاهش یافته است و براساس شاخص مطلق دلار از ۴۲ میلیون دلار به ۳۹/۶ میلیون دلار کاهش یافته است و در مقایسه با افزایش واردات و صادرات ارمنستان، مبادلات تجاری و اقتصادی با ترکیه حتی از ۲ درصد حجم مبادلات این کشور نیز تجاوز نمی‌کند» (Ananyan, 2006: 69-70). این تحلیل درحالی ارائه شده است که داده‌های یادشده مربوط به سال‌های

1. Turkish – Armenian Business Development Council (TABDC)
2. David Phillips

۲۰۰۲-۲۰۰۳ و در شرایط بسته‌بودن مرز دو کشور است. واقعیت مشخصی است و هر اقتصاددانی تأیید می‌کند که بازگشایی مرزها بر رشد اقتصادی استان‌های مرزی دو کشور تأثیر بسیار مثبتی خواهد داشت.

از این دیدگاه، آمریکا برای بازگشایی نقاط مرزی ترکیه و ارمنستان علاقه‌مندی بیشتری نشان می‌دهد تا بدین وسیله مسائل ژئوپلیتیک را مدیریت کند (Ananyan, 2006: 70). شایان توجه اینکه، هنگامی که آمریکا تلاش می‌کند تا نظام‌های سیاسی بین‌المللی را در یک نظام جهانی واحد ادغام کند، در مورد نظام‌های اقتصادی نیز به همین شیوه عمل می‌کند تا بتواند از جایگاه قدرت برتر خود، به تنهایی جهان را مدیریت کند. به عبارت دیگر تلاش آمریکا، تلاشی برای نظم نوین جهانی است؛ اما ایدئولوژی ملی به‌عنوان عاملی بازدارنده^۱ و مانعی برای ادغام نظام‌های سیاسی و اقتصادی و تلاش‌هایی است که در زمینه ایجاد نظم نوین جهانی است (Chakaryan, 1998: 14). در رابطه با راهبرد ایالات متحده در منطقه قفقاز جنوبی، روشن است که آمریکا در این منطقه، منافع راهبردی سیاسی و اقتصادی دارد. «ساختن سفارت بزرگ و جدید آمریکا در ایروان به‌عنوان نقطه اتکای منافع آمریکا در ارمنستان و بازگشایی آن در مه ۲۰۰۵ در برخی از محافل سیاسی ارمنی بازتاب گسترده‌ای به همراه داشت. این سفارت از نظر مساحت، زیرساخت‌ها و موقعیت آن در حومه شهر ایروان، به‌نظر می‌رسد که به‌عنوان پایگاه ارتباطات نیروهای نظامی و سیاسی آمریکا در منطقه استفاده شود. ارزش این سفارتخانه ۸۰ میلیون دلار برآورد شده است. این سفارتخانه بزرگ‌ترین سفارت آمریکا در جهان است و از سفارت آمریکا در برلین نیز بزرگ‌تر است (Ordukhanyan, 2012: 230-231). بدیهی است که قدرت‌های بزرگ به‌دنبال تأمین منافع خود در منطقه هستند؛ اما چنانچه از دیدگاه گسترش روابط اقتصادی و تأثیر شایان توجه منافع اقتصادی که در نتیجه بازگشایی مرزها به‌دست می‌آید، به موضوع پرداخته شود، دوطرف برای به‌دست‌آوردن امتیازهای بیشتر تلاش خواهند کرد. از سوی دیگر رویارویی پایدار ایران و آمریکا و شرایط جغرافیایی منطقه، فرصت بی‌ظیری را برای دولت ترکیه فراهم کرده است تا طرحی غیراقتصادی و در اصل سیاسی را به‌نفع خود دنبال کند (کولایی، ۱۳۸۹: ۷۷).

پیامدهای گسترش روابط اقتصادی ترکیه و ارمنستان

در صورت بازگشایی مرزها، ارمنستان در مورد برخی از شاخه‌های اقتصادی و تولیدی خود نگرانی‌هایی دارد. براساس نظریه‌های اقتصادی، «هنگامی که دو کشور کوچک و بزرگ شروع به همکاری می‌کنند، اولویت اقتصادی با کشور کوچک است و کشور کوچک منافع بیشتری را

1. Deterrence

به دست می آورد. این قانونمندی، «مزیت کوچک بودن» نامیده می شود. با این وجود بازگشایی مرز ترکیه و ارمنستان از نظر سیاسی برای ترکیه اهمیت بیشتری دارد» (Torosian and Others, 2012: 191).

در مجموع در گسترش روابط اقتصادی دو کشور، این موارد از عوامل اقتصادی ریسک پذیر برای طرف ارمنی است:

- مطابقت نداشتن امکانات و حجم اقتصادی ترکیه و ارمنستان. آیا صنایع تولیدی جمهوری ارمنستان می توانند در شرایط مرزهای باز در برابر ترکیه رقابت کنند؟
- کالاهای تولیدی ترکیه ممکن است تولیدکنندگان داخلی را از بازار ارمنستان حذف کند. برای اینکه به پرسش بالا پاسخ روشنی داده شود، متخصصان لازم می دانند تا با یک تحلیل تطبیقی مشخص کنند که در صورت بازگشایی مرز، کدام یک از شاخه های تولیدی ارمنستان سود خواهند برد و کدام شاخه ها ضرر خواهند کرد. با استفاده از روش نظریه مزیت نسبی^۱، ثابت شده است که جمهوری ارمنستان در برخی از شاخه های تولیدی مزیت نسبی بالایی دارد؛ در حالی که در این شاخه ها مزیت نسبی ترکیه پایین است. به دیگر سخن در صورت بازگشایی مرزها، ارمنستان می تواند این دسته از تولیدات خود را به ترکیه صادر کند (Torosian and Others, 2012: 177).

پژوهش ها و پیش بینی های اقتصاددانان نشان می دهند که صادرات انرژی الکتریسیته، فلزات، منسوجات و کالاهای تولیدی سنگین از جمهوری ارمنستان به ترکیه به اندازه کافی برای ارمنستان سودمند خواهد بود. در برخی از دیگر شاخه های تولید، مانند تولید نوشیدنی ها، ترکیه و ارمنستان مزیت نسبی مثبت دارند؛ اما مزیت نسبی جمهوری ارمنستان نسبت به ترکیه بالاتر است؛ موردی که نشان می دهد، جمهوری ارمنستان در این کالاها نیز امکان صادرات دارد. جمهوری ارمنستان در تولیداتی مانند سیگار، مبلمان و تولیدات کشاورزی خطرپذیرتر است و مزیت نسبی منفی دارد؛ اما ترکیه مزیت نسبی مثبت دارد. این در حالی است که ارمنستان نیز در این دسته از کالاها امکان توسعه سریع دارد. اقتصاددانان بر این باورند که در مواردی که ارمنستان مزیت نسبی منفی دارد نیز در صورت بازگشایی مرزها، شرایط رقابت پدید خواهد آمد که برای به روز بودن و توسعه و پیشرفت تکنولوژی در این دسته از شاخه های تولیدی پدیده ای مثبت است و سرانجام به کاهش قیمت ها منجر می شود. برای ارزیابی پیامدهای احتمالی بازگشایی مرز ترکیه و ارمنستان روشی استفاده شده است که در سال ۱۹۹۶، اقتصاددانان یهودی آ. آرنون، آ. اسپواک و ز. وینبلات برای بررسی

پیامدهای بازگشایی مرز اسرائیل و کشورهای عربی از آن استفاده کرده بودند (Arnon and Others, 1996: 113-134, Arnon and Others, 1997: 87-118). متخصصین با جمع‌بندی نتایج مطالعات خود نتیجه می‌گیرند که پیامدهای بازگشایی مرز ترکیه و ارمنستان را نمی‌توان به شکل کامل، مثبت یا منفی ارزیابی کرد. روشن است که بازگشایی مرز، برخی از شاخه‌های تولیدی ارمنستان را تهدید می‌کند؛ اما برای برخی از دیگر شاخه‌های تولیدی سودمند است. برای رفع این نگرانی‌ها پیشنهاد شده است که بخش‌هایی که در نتیجه بازگشایی مرزها سود می‌کنند، آن دسته از شاخه‌های تولیدی را که ضرر کرده‌اند را جبران کنند که سرانجام به سود اقتصاد کل کشور خواهد بود (Torosian and Others, 2012: 183).

- در مجموع پیامدهای مثبت گسترش روابط اقتصادی ترکیه و ارمنستان عبارتند از:
 - ارمنستان برای رسیدن به دریای مدیترانه کوتاه‌ترین مسیر را خواهد داشت؛
 - مسیرهای حمل و نقل کوتاه می‌شوند و سرانجام در بازار مصرف‌کنندگان کاهش قیمت چشم‌گیری مشاهده خواهد شد؛
 - ایجاد فرصت‌هایی برای تولیدات کشاورزی و کالاهای ارزان‌قیمت و باکیفیت؛
 - ارزان شدن کالاهای وارداتی؛
 - ایجاد فضای رقابت سالم در ارمنستان؛
 - کاهش ریسک منازعات خارجی.
- به باور اقتصاددانان چنانچه مرز میان دو کشور فقط برای برقراری ارتباطات نیز باز شود، حتی بدون رفع تحریم‌های اقتصادی کالاهای ارمنی، اقتصاد ارمنستان شتاب مثبت زیادی خواهد داشت. (Torosian and Others, 2012: 185)

نتیجه

با توجه به ماهیت منازعه و موضوع‌های مورد اختلاف ترکیه و ارمنستان و تحولات سال‌های اخیر، حل این منازعه نیازمند دوره زمانی بلندمدت است. مسائل مورد اختلاف دو کشور و گسترش اختلاف‌ها نشان داد که منازعه ترکیه و ارمنستان هیچ‌گونه راه‌حل مستقیم سیاسی ندارد و در قالب هیچ‌یک از راه‌کارها و رویکردهای حل بحران‌ها و منازعات بین‌المللی قرار نمی‌گیرد. سازگار نبودن مدل‌های استاندارد حل منازعات با ماهیت اختلاف‌های ترکیه و ارمنستان و در نظر نگرفتن پیچیدگی مسائل موجود در روابط دو ملت ارمنی و ترک سبب شکست تلاش‌های بین‌المللی برای حل این منازعه شد. در چنین شرایطی تجربه حل منازعات بین‌المللی نشان می‌دهد که تغییر در رویکرد حل مستقیم منازعه با دگرگونی در ساختار منازعه شرایط مساعدی را برای حل منازعه فراهم خواهد کرد. توسعه روابط اقتصادی تنها راهبرد

برونرفت و دگرگونی در ساختار و متن منازعه میان دو کشور و یک راه‌حل جایگزین برای حل سیاسی این منازعه است. در دو دهه آینده، منافع و انگیزه‌های اقتصادی سبب برونرفت از منازعه‌ای است که بیش از یک‌صد سال پیشینه تاریخی دارد. در چارچوب گسترش روابط ارمنستان و ترکیه، توسعه روابط اقتصادی برای ارمنستان در اولویت قرار دارد. درحالی‌که برای ترکیه توسعه روابط سیاسی اهمیت بیشتری دارد. با این وجود، آنکارا نیز برای برقراری روابط اقتصادی با ارمنستان و در نظر گرفتن بازار کوچک اقتصادی این کشور تلاش می‌کند. تمرکز بر رویکردهای کاربردی و اقدام‌های کوتاه‌مدت، بازگشایی مرزها و برقراری روابط اقتصادی به‌عنوان یک راه‌حل جایگزین به نتایج شایان توجهی در راستای یک توافق کامل و حل منازعه منجر خواهد شد.

منابع

الف) فارسی

۱. دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۸۸)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: قومس.
۲. قربانی‌نژاد، ریاز، محمدرضا حافظ‌نیا، زهرا احمدی‌پور و عبدالعلی قوام (۱۳۹۳)، «بررسی مفهوم منازعه در نظریه‌های روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک»، *راهبرد*، سال ۲۳، شماره ۷۰، صص. ۲۹۱-۲۶۵.
۳. قیصری، نورالله و مهناز گودرزی (۱۳۸۸)، «روابط ایران و ارمنستان: فرصت‌ها و موانع»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال ۲، شماره ۳، صص. ۱۴۴-۱۲۱.
۴. کولایی، الهه (۱۳۸۹)، «جمهوری اسلامی و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی»، *ژئوپلیتیک*، سال ۶، شماره ۱، صص. ۷۵-۱۱۱.
۵. کولایی، الهه و سیمین شیرازی موگویی (۱۳۹۵)، «تأثیر آزادسازی اقتصاد بر رشد جامعه مدنی در قزاقستان»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، دوره ۹، شماره ۱، صص. ۱۵۰-۱۳۳.
۶. ولیقلی‌زاده، علی و کاظم ذوقی‌بارانی (۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل پیامدهای ژئوپلیتیک عادی‌سازی روابط ترکیه و ارمنستان»، *ژئوپلیتیک*، سال ۸، شماره ۳، صص. ۹۱-۱۱۷.

ب) انگلیسی

1. Ananyan, Aram (2006), *Armenian Genocide the Conflict of Armenian-Turkish relations (1991-2004 BC)*, Yerevan: Institute of History Publishing House, Arch. Mesrob Ashjian Book Series 16.

2. Arnon, A., A. Spivak and J. Weinblatt (1996), "The Potential for Trade between Israel, the Palestinians and Jordan", **The World Economics**, Vol. 19, No. 1, pp. 113-134.
3. Arnon, A., I. Luski, A. Spivak and J. Weinblatt (1997), **The Palestinian Economy Between Imposed Integration and Voluntary Separation**, Leiden: Brill Publishing Co.
4. Barseghyan, L. (1997), "Turkish-Armenian Dialogue", **Azg Armenian Daily** (The newspaper was printed in 1997), 1 November, Azg Armenian Daily Archives, Yerevan, (Accessed on: 8/4/2014).
5. Burton, J. (1991), "Conflict Resolution as a Political System", **The Psychodynamics of International Relationships**, Vol. 2, Lexington, Massachusetts: Lexington Books, pp. 71-92.
6. Chakaryan, Hakob (1998), **Qarabaqian Himnaharcy Hay-Turkakan Haraberutyunneri Hamatekstum** (The Karabakh Issue in the Context of the Armenian-Turkish Relations), Yerevan: NAS Publishing House.
7. Çuhadar, Esra and Burcu Gültekin Punsman (2012), **Reflecting on the Two Decades of Bridging the Divide: Taking Stock of Turkish-Armenian Civil Society Activities**, Ankara: TEPAV Publication.
8. Kentel, Ferhat and Gevorg Poghosyan (2006), **Armenian-Turkish Citizen's Mutual Perceptions and Dialogue**, Yerevan: HASA and TESEV Publishing House.
9. Melkonyan, A. (2010), **Conflict and Conflict Resolution**, Available at: <http://old.asparez.am/aboutus/projects/jca-arm-az-uk-fco-2010-2011/10.armen-melqonyan-conflict-regulation-management.pdf>, (Accessed on: 7/11/2013).
10. Miall, Hugh (2004), **Conflict Transformation: a Multi-Dimensional Task**, Available at: http://www.berghof-handbook.net/uploads/download/miall_handbook.pdf, (Accessed on: 11/2/2014).
11. Ordukhanyan, Emil (2012), "American Foreign Policy in the South Caucasus", **Political Science Issues**, Vol. 23, No. 1, pp. 228-242.
12. Safrastyan, Ruben (2003), **Hnaravor Che 21-rd Darum Patneshner Steghtsel Harevanneri Mijev** (Not Possible to Create Barriers between Neighbors in the 21st Century), Yerevan: Zangaq Publication.
13. Torosian, Toros, Grigor Hayrapetyan, Diana Galoyan, Narek Hovakanyan, Narine Kotikyan and Lilit Sargsyan (2012), **Armenia and Turkey in the Processes of Regional Economic Integration**, Yerevan: "Gitutyun" Publishing House.